

برای
شهید لندی

در شعله‌های ناگهان

نوجوان اسطوره

من فکر می‌کردم همیشه
اسطوره‌ها دورند از ما
از بس که آن‌ها خاص بودند
در قصه‌ها و داستان‌ها

گاهی شبیه کوه مملک
گاهی شبیه ماه بودند
گاهی میان آب و آتش
افسانه‌ای نو می‌سرورند

یک اتفاقی تازه، اما
فکر مرا درگیر کرده
با دیدنش تصویر ذهنم
از قهرمان تغییر کرده

یک نوجوان مثل من و تو
انداخته خود را در آتش
وقتی که فهمیده اسیر است
بال کبوترها در آتش

او نه کمان گیر غیوری است
نه هفت جان، در سینه دارد
نه مادرش فرزند دیو است
نه پیام یا آئینه دارد

من می‌کنم از داستان‌ها
درس شجاعت دیده باشم
فهمیده که باید در این سن
اسطوره‌اش «فهمیده» باشم

آری، «علی لندی» نشان داد
هر روز، روز امتحان است
از این به بعد اسطوره من
یک قهرمان نوجوان است

فاطمه غلامی

در خانه‌ی همسایه آتش را که دیدی
از شعله‌های ناگهان پروانگردی
پالاک و بی‌پاک
از جان گذشتی، آفرین!
پروانه‌ی پاک
شور آفریدی

راز خداکاری و رمز زندگی را
از نو برای نوجوانان بازگفتی

فورشیدبیدار
در لحظه‌های بیم و امید
شادی دمیدی
در خاطر ما چاودانی
شایسته‌ی نام شهیدی

بابک نیک طلب



رو به دریا کن

به آب و گل چه فرو رفته‌ای ، نظر واکن
از این فرابه چو سیلاب رو به دریا کن
در این دو هفته که ابر بهار در گذر است
تو نیز دامن امید چون صدف واکن
مباش کم ز نسیم سمر در این گلزار
تو هم به فوش نفسی غنچه دلی واکن
نگشته تنگ زمان سفر، ز دانه‌ی اشک
برای راه فنا توشه‌ای مهیا کن
مشو چو فوشه به یک سر ، در این چمن قانع
بکوش و پشم و دل فویش هر دو بینا کن
هریف بفرنگرد شاورى ، ز نهار
نشسته دست زجان ، دست عزیز بالا کن
فکنده است تو را در به در دهان سوال
بیند یک در و صد در به روی خود واکن

ز سنگ قاره ۴ تیغ زود برگردد
به هر که با تو کند دشمنی مدارا کن
همیشه دور به کام کسی نمی‌گردد
به فتنه حاصل خود صرف، همپو مینا کن
نمی‌توان به پر عقل شد فلک پرواز
ز عشق، صائب بال و پری مهیا کن

صائب تبریزی

بیشتر بخوانیم



تخته سفید دل من
شعرهای این کتاب برای خوانندگان جوان و دبیرستانی انتخاب شده‌اند. سادگی و صمیمیت، تنوع مضمون، زاویه دید خلاق و توجه به بافت خانوادگی که نوجوان به عنوان مخاطب در آن زندگی می‌کند، از ویژگی‌های این اشعار است. در شعر «بهشت کوچک»، آمده است: «ته یک کوچه تنگ و دو متری، نشسته خانه‌ای تنها و کوچک، من و بابا و مامان ساکن آن، شده اینجا کمد، ما هم عروسک...»

نام مجموعه: شعر شباب / مؤلف: علی باباجانی
سال چاپ: ۱۳۹۹ / ناشر: نشر گویا

حس تازه

مثل عطر نان
روی سفره‌های صبح
تازه است
مثل راه رفتن بدون کفش
زیر هر دم آفتاب تیر
روی چاره است
حس تازه‌ام
سفت و سارده است؛
شافه دل شکوفه داره است

مریم زندی



پاییز طلایی

کوچه پاییز پر از پنجره
فاطره در فاطره
پشم‌ها
آینه‌ای رو به رو
کوچه پر از گفت‌وگو
باز من و مدرسه
شاری و لب‌فند و صف بپه‌ها
عطر کتابی چرید
نیمکت
پنجره‌ای نیمه باز
قیس قیس
درس ما
با نت موسیقی باران مهر
چهره فندان مهر
غرق شدن در تپش آسمان
گوش سپردن به تمام جهان

مرضیه تاجری

